

Frida

فریدا

کارگردان: جولی تایمور. فیلم‌نامه: کلانسی سیگال بر اساس کتاب هایدن هررا. مدیر فیلم برداری: رودریگو پی پترو. تدوین: فرانسواز بونوت. طراح تولید: فلیپه فرناندز دل پاسو. بازیگران: سلما هایک (فریدا)، میا مائسترو (کریستینا)، آلفرد مولینا (ریورا)، آنتونیو باندراس. محصول مشترک آمریکا، کانادا، مکزیک ۲۰۰۲.

خوش ساخت، جذاب و رنگین

■ کورس صفی نیا

حضور حلقه نقاشان تأثیرگذار و همگام با ریورا در فیلم به چشم نمی خورد و بر خورد کوتاه ریورا با سه کرابروس (بازاری آنتونیو باندراس) که تازه و سرسری است. بدین ترتیب در این فیلم شاهد شکل گیری آن دوره درخشان هنر مکزیک که موفق شد به شهرتی جهانی برسد و تا مدتی هنر پیشرو دوسوی دریای کارائیب را تحت الشعاع قرار دهد نیستیم و نباید فراموش کرد اهمیت وقایع تنها زمانی است که کالو یا ریورا را به عنوان دو تن از مهم ترین هنرمندان معاصر معرفی می نماید. چنین است که بر خورد ریورا با راکفلر (ادوارد نورتون) اغراق آمیز و رابطه کالو با نروستکی گرافه گو جلوه می کند. شاید فیلم فریدا با کاستن از فشر دگی وقایع و پرداخت بیش تر به زندگی درونی یا تنهایی های این هنرمند، می توانست با تأکید بیش تر به پیچیدگی های هنری و رابطه هوش مندانه او با مقوله درد به تصویر شهادت او از این مقابله بپردازد، اما این حاصل خوش ساخت در اکثر لحظات به ارائه سطحی جذاب و رنگین بسنده می کند. فریدا فیلمی زیبا و دوست داشتنی است و قادر است در دوران پستی بلندی های داستان احساسات را به وجد آورد. تردیدی نیست که بخشی از توجه دوباره جهانیان به آثار فریدا کالو و گسترش شهرت دامنگیر او مدیون فیلم است، اما آن بخش روشنفکرانه و تلخ درونی زندگی و هنر فریدا را به هیچ رو منتقل نمی کند و به برداشتی جذاب و عامه پسند بسنده می نماید. در کل، فریدا، با آن که یک شاهکار با اثری تأمل بر انگیز نیست، اما به مدد وفاداری خویش به بازسازی نقاشی ها و پیرامون زندگی پرنرمز فریدا کالو و دیده گو ریورا زیبا و دلنشین است و تا مدتی خاطر تماشاگران اش باقی خواهد ماند. ▶

کبرای عاشقان فرهنگ آمریکای لاتین، فیلم فریدا با بازی سلما هایک (در نقش فریدا) و آلفرد مولینا (در نقش ریورا) و به کارگردانی جولی تایمور، فرصتی مغتنم است. درامی تاریخی که با بهره گیری وسواس آمیز از تمامی عوامل، سعی در به تصویر کشیدن بخش پرنرنگی از تاریخ هنر مکزیک و روابط پیچیده خاص آمریکای جنوبی دارد. جایگاه مؤثر فریدا و همسرش ریورا در شکل گیری روزهای در اوج هنر معاصر مکزیک بر کسی پوشیده نیست و این فیلم می کوشد تا با بازسازی محیط پیرامون آن دو به ثبت سایه روشن های زندگی هنرمندی بپردازد که در طول حیات خویش هرگز به جد گرفته نشد و تا همین چند سال گذشته، کم تر استودیوی فیلمسازی را می شد یافت که حاضر به سرمایه گذاری روی فیلمی بر پایه زندگی او باشند. سراسر زندگی فریدا کالو، نقاش مکزیک مملو از رنج و عذاب جسمانی بوده است. در سنین جوانی در اثر تصادف اتوبوس حامل وی به شدت مجروح شد و در طول حیات، هرگز سلامتی خویش را بازیافت و بیش از سی و پنج جراحی دردناک را از سر گذراند و هیچ وقت به آرزوی خویش برای مادر شدن دست نیافت. رابطه پر فراز و فرود او با همسرش ریورا نیز دست کمی از دردهای جسمانی وی نداشت و بدین ترتیب فریدا را می توان سمبل یا «الهیة درد» معاصر انگاشت.

وقایع فیلم بر پایه زندگی نامه فریدا به قلم هایدن هررا شکل گرفته است و کل داستان در قالب یک فلاش بک در ذهن فریدای محض که با تخته خواب به نمایشگاه نقاشی اش حمل می شود روایت می گردد.

شباهت سلما هایک، هنر پیشه مکزیک، به فریدا کالو تام و تمام است. در واقع شاید می توان با قاطعیت اعتراف کرد که گزینه ای بهتر از وی وجود نداشته است. سلما هایک بعدها در مصاحبه ای خاطر نشان کرد که به مدت هفت سال برای به چنگ آوردن این نقش مبارزه کرد و هنگامی که اول بار در پروژه ای برای ساخت فیلم فریدا (که به انجام نرسید) تست بازیگری داد پاسخ شنید که برای این نقش بسیار جوان است و سرسختانه پاسخ داده بود که در این صورت سازندگان این فیلم باید صبر کنند تا او به سن مناسب این نقش برسد. آلفرد مولینا نیز از سوی دیگر، با آن هیبت بزرگ و رفتار کاریزماتیکش کاملاً در نقش استاد ریورای انقلابی باور کردنی است. چنین است کلیه فضاهایی که داستان فیلم در آن جریان دارد، موسیقی فیلم که بخش عمده ای از حال و هوای رمانتیک آن را بر دوش دارد و از نکات به یادماندنی آن به شمار می رود به خوبی در تمام لحظات فیلم جاری است و آهنگساز، الیوت گوئندتال با الهام از رابطه نزدیک فریدا کالو با خواننده مکزیک کونچا میشل ترانه های زیبایی پالو مانگرا یا تانگو با صدای لیلی داون را نوشت. نقاشی های فریدا در جای جای لحظات فیلم حضور دارند و بازسازی آن ها در واقعیت، زیبا و هنرمندانه است، به ویژه آن که نقاشی های او با پرداختن نایف و گاه دور از واقعیت سه بعدی خلق شده اند و به راحتی در واقعیت جای نمی گیرند. چنین به نظر می رسد که سازندگان فیلم اصرار فراوان به استفاده از تمام حقایق مربوط به زندگی وی داشته اند و این انباشتی وقایع منجر به ریتمی تند و شتاب زده در سراسر فیلم گردیده است. تمامی این وقایع نیز در میانه زندگی پرسروصدای آمریکای لاتین، میهمانی های شبانه، تانگو و تکلیلا جریان دارد. رویکردی که بی شک جذابیت لازم برای دستگاه عظیم فیلمسازی هالیوود را فراهم آورده است اما از روایت زندگی درونی یا هنری کالو و ریورا، باز می ماند. تقریباً هیچ نشانه ای از

